

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج محمد ابراهیم "حبیب زی"

ورجینیا - اضلاع متحده امریکا

۶ نومبر ۲۰۱۳

دوستانان شعر حافظ و فالی از حافظ

حیات پرمشقت و مصروفیت غالباً انسانها را از بسا کارهای زندگی ساز و فرحتبخش باز میدارد، با آنهم محبت و پیوندهای قلبی افغانها با یکدیگر این زنجیر را گسسته، در کارهای حیاتبخش و بدست آوردن قلوب دوستان همت میگذارند؛ چنانچه جناب تیمورشاه "تیموری" شاعر دانشمند ما بتاريخ ۳۰ اکتوبر ۲۰۱۳ برای دوستان و همکاران پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پیوندنامه ای تحت عنوان "قابل توجه دوستانان شعر حافظ" مفکوره خود را ابراز نموده بودند، که من از طفولیت با اشعار حافظ بزرگ شده ام و غزل حافظ که از طرف آقای رهین پسر کاکایم به نشر رسیده بود

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه کار به نام من دیوانه زدند

اقای تیموری نظر خود را نوشتند که "قرعه کار" نیست، بلکه "قرعه فال" است، و از دوستان خواستند تا نظر خود را در زمینه ابراز نمایند. یک تعداد دوستان و عزیزان به شمول نگارنده، نظریات خود را ابراز نمودیم. بخصوص جناب انجنیر خلیل الله "معروفی" بصورت مشرح در حدود هفت صفحه نگارشی داشتند که قابل تمجید است و تا اکنون یک جمعبندی از طرف جناب تیموری صاحب نگردیده، که قاطعیت را اعلام نمایند، چون منتظر نظریات بیشتر دوستان هستند. من یک بار دیگر در فکر آن گردیدم که در زمینه کنجاوی بیشتر نمایم. با

خود فکر نمودم که زمانی که یک غزل از حضرت بیدل را بخوانیم، قبل از آنکه به نام شان برسیم اکثر میدانیم که شعر از حضرت بیدل است، چون روش خاص خود را دارد و کلمات خاص خود را دارند. همچنین در اشعار حضرت حافظ، کلمات چون "فال" زیادتر دیده میشود، نسبت به "کار". باریکی سخن درینجاست که بعضی اوقات یک شاعر بسیار بلندمرتبه شعری میسراید و یک شاعر دیگر و یا یک شاعر نو، فکر میکند به عوض این کلمه اگر این بیاید، زیباتر و با معنی تر میگردد و با جمعی از دوستان در میان گذاشته آن کلمه را در چاپهای آینده تغییر میدهند، شاید بهتر گردد. اما از نظر من این کار نادرست است، بلی در صورتی که بنویسند اصل چنین بود و در چاپ جدید چنین گرفته شده، مشکل رفع میگردد. من طور مثال که به خاک پای حضرت بیدل نمیرسم، یک شاهفرد بسیار زیبای شان - که البته همه اشعار شان زیباست - نوشته اند :

یک قدم راه است بیدل از تو تا دامن خاک
بر سرمژگان چو اشک استاده ای، هوشیار باش

از بس خوشم آمد به استقبال نوشتم :

یک قدم راه است بیدل از تو تا دامن گور
بر سرمژگان چو اشک استاده ای بیدار باش

کلمات (خاک) را به (گور) و (هوشیار) را به (بیدار) نزد خود نوشتم نه به معنی تغییر، که من پیشنهاد تغییر شعر آسمان شعر حضرت "بیدل" را نمایم؛ استغفرالله . قابل یادآوری میدانم، زیاد فکر کردم، شاید شعرای بعد از حضرت حافظ یا همعصر شان طور مثال حکیم ابوالفتح غیاث الدین عمر خیام بن ابراهیم خیام و بوعلی سینای بلخی، و یا مصلح الدین سعدی و دیگران در قسمت اشعار شعرای مختلف کارهایی نموده باشند. بالاخره من از یک طرف میخواستم کاری درین مورد نمایم و از طرفی از کم دانشی خود فرار کرده باشم، دیوان حضرت حافظ را گرفتم و استخاره کردم و فال دیدم که آیا (کار) درست است یا (فال)؟ نیت کردم هرکدام اگر درین غزل آمد، آن را باید شخصاً تأیید نمایم، با وجودی که حضرت حافظ فرموده :

آندم که دل به عشق دهی خوش دمی بود
در کار خیر، حاجت هیچ استخاره نیست

با آنهم دیوان حافظ را باز نمودم، در دو مصراع اول چنین آمد :

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد
زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

عقیده من به روحانیت شان که از جمله اولیای کرام بودند، زیادتز ارادتمند گردیدم که چطور در فال من هردو کلمه (فال) و (کار) آمد؛ یعنی که شاید هردو صحیح است شاید اول فال، دوم کار و نتیجه این فال خود را به شما دانشمندان میگذارم. با عرض ارادت .